

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاه و یکمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل



پنجاه و یک سال از روز دوشنبه ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ (۸ فوریه ۱۹۷۱) می‌گذرد. در شامگاه آن روز که در بررسیهای تاریخی از آن به عنوان «نقطه عطف» یاد می‌شود، یک گروه کوچک پارتیزانی به پاسگاه ژاندارمری شهرک سیاهکل (استان گیلان) حمله کرده و آن را خلع سلاح کردند. این حرکت جسورانه رهگشای دوران جدیدی در جنبش‌های بخش و جنبش کمونیستی مردم ایران بود. عمل جسورانه و بن‌بست شکنانه چریکهای گروه «جنگل»، ضربه‌ای جدی به فضای اختناق وارد کرد و با درهم شکستن گزاره «قدرت مطلق» رژیم شاه و «ضعف مطلق» مردم، آغاز پایان عمر نظام سلطنتی را نوید داد.

رستاخیز سیاهکل آذرخشی بود که با غرشی قدرتمند در شب تیره و تاریک

ایران زمین، جوشش و تلاطمی ایجاد کرد که تاثیر آن در تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی آن دوران تعیین کننده بود. این واقعیت را می‌توان از گنشها و واکنشهایی که از آن زمان تاکنون از جانب دوستان و دشمنان خلق صورت گرفته درک کرد. این رویداد سترگ با استقبال پرشور آگاهترین و پیشروترین زنان و مردانی که قلبشان برای آزادی و سوسیالیسم می‌تپید، روبرو شد. شاهد این تحول پیوستن صدها آزادیخواه به جنبش پیشتاز فدایی، حمایت گسترده دانشجویان، روشنفکران، شاعران، هنرمندان و سپس کارگران آگاه از سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در دهه پنجاه است.

پیکارگران گروه جنگل که آفرینندگان آن آذرخش پُرفروغ بودند، می‌خواستند سرنوشت مردم ایران را از تسلیم به شرایط به پیکار برای آزادی تغییر دهند. به گفته لئون تولستوی: «برای کشف اقیانوسهای جدید، باید شهامت ترک ساحل آرام خود را داشته باشید. این جهان، جهان تغییر است، نه تقدیر.» آنان که به پاسگاه سیاهکل حمله کردند و آن حماسه ماندگار را خلق کردند، این شهامت را داشتند که زندگی «آرام» را ترک کنند و ایران را وارد دوران «تغییر» کنند.



نغمه در نغمه خون غلغله زد، تندر شد / شد زمین رنگ دگر، رنگ زمان دیگر شد... روی شبگیر گران، ماشه خورشید چکید / کوهی از آتش و خون موج زد و سنگر شد... (فدایی شهید، سعید سلطان پور)

واکنش هراس آلود رژیم شاه نشان داد که دگرگونی برای تغییر آغاز شده و دستگاه امنیتی حکومت این را به خوبی درک کرد. طی عملیاتی که از ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ تا حدود ۲ اسفند همان سال جریان داشت، رفقا مهدی اسحاقی و محمد رحیم سمایی در جنگلهای گیلان به شهادت رسیدند و رفقا غفور حسن پور اصیل، علی اکبر صفایی فراهانی، احمد فرهودی، جلیل انفرادی، محمدعلی محدث قندچی، ناصر سیف دلیل صفایی، هادی بنده خدا لنگرودی، شعاع الدین مشیدی، اسکندر رحیمی، محمدهادی فاضلی، عباس دانش بهزادی، اسماعیل معینی عراقی و



هوشنگ نیری دستگیر و در بیدادگاههای نظامی رژیم شاه به اعدام محکوم شدند. قلبهای عاشق و جوان آنها در سپیده دم روز ۲۶ اسفند همان سال در میدان چیتگر آماج گلوله های جوخه اعدام شاه جلاد شد. این اعدام دسته جمعی و بی سابقه تا آن زمان، نه تنها نتوانست آذرخش رستاخیز سیاهکل را خاموش کند، بلکه آن را به تندر تبدیل کرد.

محمدرضا شاه که در سودای نابودی چریکهای فدایی دستور وحشیانه ترین سرکوبیها را به مزدورانش می داد، همواره از

ناتوانی آنها در بستن پرونده «چریکهای فدایی» ابراز نارضایتی می کرد، زیرا هر تلاش ساواک شاه با وجود ضرباتی که بر پیکر سازمان چریکهای فدایی خلق ایران وارد می شد، ناکام می ماند. جنبش انقلابی مسلحانه با وجود سرکوبهای خشن راه پُرفراز و نشیب رهایی را ادامه داد و با به سُخره گرفتن اقتدار شاه و از جان گذشتگی، روانشناسی انقلاب را به اعماق جامعه رسوخ داد و همزمان دیکتاتور را به استیصال کشاند.

اسدالله علم در خاطراتش از قول شاه می نویسد: «عزم و اراده آنها اصلاً باور کردنی نیست، حتی زنها تا آخرین نفس به جنگ ادامه می دهند، مردها قرص سیانور در دهان شان دارند و برای این که دستگیر نشوند خودکشی می کنند.» (امیر اسدالله علم، من و شاه، یادداشتهای محرمانه دربار سلطنتی ایران، ص ۱۴۶)

چند ماه پس از حماسه سیاهکل، خمینی جلاد علیه این رویداد سترگ موضع گرفت. او در پاسخ به نامه ۶ اردیبهشت ۱۳۵۰ مسئول اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا، در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ۱۳۵۰ نوشت: «باید حادثه سازیها و شایعه پردازیهای را که در ممالک اسلامی برای تحکیم اساس حکومت استعماری است بررسی دقیق کنید، نظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل...»

موضع خمینی آن چنان ننگین بود که وقتی این پیام در همان زمان در نشریه «اسلام مکتب مبارز»، ارگان اتحادیه انجمنهای اسلامی در اروپا به چاپ رسید، جمله «تظیر حوادث ترکیه و حادثه سیاهکل» حذف شد. (سید حمید روحانی (زیارتی)، نهضت امام خمینی، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ دوم پائیز ۱۳۷۴، جلد سوم، ص ۴۸۶-۴۸۷)

با وجود صف بندی و لجن پراکنی مشترک ارتجاع اسلامی، حزب توده و حرافان بی عمل علیه جنبش مسلحانه، سازمان چریکهای فدایی خلق ایران طی هشت سال مبارزه انقلابی و با پرداخت هزینه های سنگین در مبارزه بی امان با نهادهای سرکوبگر رژیم شاه، توانست پابرجا بماند و با وجود کمبودها و اشتباهاتش به یک جنبش اجتماعی بزرگ در آستانه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ فرا روید. پس از استقرار جمهوری اسلامی، گزافه گویان دست پرورده خمینی و گفتمان سازهای امنیتی تلاش می کنند جوهر و درونمایه حماسه سیاهکل را با تحویل مشتکی اراجیف وارونه جلوه داده و آن را سر و دم بریده، در قد و قواره تاریخ نگاری «انقلاب اسلامی» به جامعه تحمیل کنند.

هنگامی که در سال جاری یکی از بیدادگاههای رژیم از جمله دلیلهای محکومیت لایلا حسین زاده، فعال دانشجویی و زندانی سیاسی، به ۵ سال حبس تعزیری و دو سال منع فعالیت در فضای مجازی را سر دادن سرود «خون ارغوانها» ذکر می کند، وقتی در برخی از حرکتها اعتراضی در کف خیابان «سر اومد زمستون» خوانده می شود، وقتی هر ساله چندین مقاله، کتاب و فیلم علیه جنبش فدایی به بازار آرایه می شود، زمانی که ردیه نویسان وامانده و منحط هر سال در آستانه رستاخیز سیاهکل به فرموده فعال می شوند، چه نتیجه ای می توان گرفت جز این که گرمای آتشی که در سیاهکل برافروخته شده، هنوز هم در جان و هستی هر آزادیخواهی جاری است.

سیاست ابلهانه پیروان معتقد و شرمگین خمینی «این است که نیروی اجتماعی بزرگی که مدافع آزادی و برابری است را بدون تاریخ درخشان، فاقد سنت انقلابی و تهی از اندیشه های پیشرو جلوه دهند. اما رویشها، خیزشها، جنبشها و قیامهای توده ای نشان داد که مبارزه فرودستان و تهیدستان برای «نان، کار و آزادی» و شور و شوق جوانان قیام کننده برای آزادی، سر باز ایستادن ندارد و این چنین است که در سراسر فلات آفتاب و باد، «زنگ انقلاب» به صدا در می آید، «توفان شکوفه» می دهد و «آفتابکاران جنگل» ماندگار و تکثیر می شود.»

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آغاز پنجاه و دومین سال حیات خود یاد و خاطره همه زنان و مردان دلیر جنبش پیشتاز فدایی را که در پای چوبه های دار، در پیکار رو در رو با دشمن در شهر و روستا و در زندانهای شاه و شیخ، در راه هدفهای سترگ جنبش کمونیستی ایران به شهادت رسیدند، گرمی می دارد.

ما به زنان و مردان ایران زمین که برای آزادی، دموکراسی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت و نابودی ستم جنسیتی، مذهبی و ملی مبارزه می کنند درود می فرستیم و خاطره تمامی دلاورانی که در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران جانفشانی کردند را گرمی می داریم.

ما به پایداری خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی، به مقاومت همه زندانیان سیاسی و عقیدتی ادای احترام می کنیم و خواستار اقدام بیدرنگ بین المللی برای بازدید از زندانهای ولایت خامنه ای و ملاقات با زندانیان سیاسی به ویژه آنانی که در اعتصاب غذا به سر می برند، هستیم.

ما از جنبش دادخواهی خانواده های شهدا و زندانیان سیاسی و عقیدتی و از تلاش برای به نتیجه رسیدن دادگاه حمید نوری (عباسی) در سوید حمایت می کنیم و برای آزادی تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی و برچیدن مجازاتهای وحشیانه سنگسار، قصاص، قطع اعضای بدن و اعدام در ایران مبارزه می کنیم.

خروش مردم به فلاکت کشیده شده!

در نتیجه حاکمیت تبهکاران و با سیاستهای غارتگرانه نظام، جامعه و کشور بحرانی ترین لحظات حیات خود را می گذرانند. تمامی عاملهای کلان در اقتصاد، سیاست و جامعه نشان دهنده آن است که این بحران در تار و پود کشور جاری شده است.

ستیز بین مردم ایران و استبداد دینی حاکم در ابعاد کلان تشدید شده و کارگزاران نظام برای حفظ رژیم جمهوری اسلامی ابزاری جز سرکوبی مردم و صدور تروریسم و بنیادگرایی ندارند. تضاد بین قدرت حقیقی و قدرت حقوقی، تضاد بین مناسبات بورژوازی حاکم با روبنای ناسازگار سیاسی (استبداد دینی) و تضاد نظام جمهوری اسلامی با جهان پیرامون (آمریکا، اروپا و خاورمیانه) شدت و حدت بی سابقه ای پیدا کرده است. در تاریخ صد ساله کشور ما، هیچگاه تضادهای اساسی جامعه به این میزان عمیق و درهم تنیده نبوده است.

رویدادهایی که هر روز در مقابل چشم مردم به ستوه آمده خودنمایی می کند، نشان می دهد که حاکمیت توان و ظرفیت غلبه بر بحرانهای عمیقی که هر روز عمق و وسعت می گیرد را ندارد. نگرانی اصلی حاکمان تبهکار نه زندگی روزمره مردم، که حفظ نظام ثروت و قدرت از طریق سرکوبی بیرحمانه و چپاول بی حد و مرز است. بیش از ۷۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر مطلق زندگی مشقت بار خود را می گذرانند، بیکاری و گرانی بیداد می کند و منابع و داراییهای کشور به وسیله رژیم به طور کلنگی به حراج گذاشته شده است. سرمایه داران انگل و غارتگر، شرکتهای پیمانی، بازار غارتگرانه بورس، سپاه منفور پاسداران و مراکز ترویج و تبلیغ ارتجاع که به وسیله مشتی آخوند مرتجع و بیرحم اداره می شود، سرنوشت مردم این مرز و بوم را به بازی گرفته اند. در حالی که حاکمیت برای تامین اولیه ترین نیازهای مردم ایران هیچ اقدام موثری انجام نمی دهد، ثروتهای غارت شده به طور میلیاردی از کشور خارج می شود و میلیاردها دلار صرف پروژه اتمی و صدور بنیادگرایی به کشورهای دیگر می گردد. مردم فریاد می زنند؛ «دشمن ما همین جاست»، «سوریه را رها کن، فکری به حال ما کن» و کارگزاران پلید حکومت و در راس آن خامنه ای، با کمکهای بی دریغ برای نجات بشار اسد تلاش می کنند.

حکومت در یکی از سیاه ترین دوره های حیات اقتصادی کشور، برای تامین کسری بودجه و در کنار آن دستبرد به جیب مردم، مشارکت در بازار بورس را تبلیغ و ترویج می کند و هر روز به گونه مضحکی از رونق این قمارخانه بیرحم آمار ارایه می دهد. همزمان بانکها به شیوه های مختلف از بانک مرکزی پول دریافت می کنند و بدین وسیله به رشد بی دنده و ترمز اندوختگی کمک می رسانند. کانال تلگرام خبر فوری در روز یکشنبه ۳ بهمن ۱۴۰۰ در گزارشی اعلام کرد: «آمارها نشان می دهد دولت سیزدهم میراث دار شرایط دشواری است که عدم کنترل بمبهای ساعتی آن می تواند تبعات و پیامدهای جدی از مسیر افزایش پایه پولی و نقدینگی و سپس تورم داشته باشد؛ وضعیتی که مستقیماً رفاه و معیشت مردم را هدف قرار داده است. شاهد این ادعا خلق ۱۲۰ هزار میلیارد تومان نقدینگی در ماه یا به عبارتی نزدیک به ۴ هزار میلیارد تومان نقدینگی در روز است. بررسی [روزنامه] فرهیختگان نشان می دهد، ادامه روند افزایش لگام گسیخته نقدینگی حاکی از آن است که تا پایان سال ۱۴۰۲، نقدینگی ۲ برابر شده و تورم افسارگسیخته بیشتری در انتظار اقتصاد ایران خواهد بود. هم چنین پیش بینی می شود نقدینگی در پایان سال ۱۴۰۴، با ۳۵۰ درصد افزایش نسبت به ابتدای سال ۱۴۰۰، به حدود ۱۵۴۵۹ هزار میلیارد تومان افزایش می یابد، این بدان معناست که خلق روزانه نقدینگی در سال ۱۴۰۴ به ۱۱ هزار میلیارد تومان خواهد رسید؛ رقمی که در حال حاضر نزدیک به ۳۶۰۰ میلیارد تومان است.» این چنین رشد بی محابای اندوختگی افزایش زیاد

تورم را نوید می دهد و اگر اکنون تورم در حدود ۴۶ درصد نوسان می کند، شاهد افزایش سرسام آور تورم و در نتیجه افزایش تصاعدی قیمت‌ها خواهیم بود که خروجی آن کشانده شدن ۷۰ درصد جامعه به فلاکت، تنگدستی و گرسنگی خواهد بود.

مردم به فلاکت کشیده شده اند اما تسلیم نشده اند و روزانه با حرکت‌های اعتراضی خود رژیم را به چالش می کشند. حکومت قادر نیست به شکل گذشته ادامه حیات دهد و مردم نیز نمی خواهند به شکل گذشته زندگی کنند. این دو مولفه بحران و شرایط انقلابی و یا بحران غیرقانونی است که به طور روزانه خود را نشان می دهد.

پس از خروج قدرتمند تهیدستان در دی ماه ۱۳۹۶ و به دنبال قیام پرتوان اقشار گوناگون مردم، به ویژه تهیدستان و فرودستان در هفته آخر آبان ۱۳۹۸، سال جاری نیز همچون سالهای اخیر آکنده از هزاران حرکت اعتراضی و خیزش توده ای گردید. ما به طور روزانه در «جنگ خبر»، به طور هفتگی در «رادیو پیشگام» و به طور ماهانه در نشریه «نبرد خلق»، این حرکت‌های اعتراضی را پوشش داده ایم. خیزش مردم اصفهان که با فراخوان کشاورزان متحصن در روز آدینه ۲۸ آبان و ۵ آذر سال جاری صورت گرفت، مهمترین و بی سابقه ترین حرکت اعتراضی در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی بود.

اعتراضها به اشکال مختلف (خیزش و قیام شهری، اعتصاب، تجمع، راهپیمایی و...) از جانب کارگران، معلمان، کشاورزان، کارمندان، بازنشستگان، پرستاران، کامیونداران و رانندگان ماشینهای سنگین، دانشجویان، فعالان محیط زیست، غارت شدگان، اصناف و بازاریان، دستفروشان، خانواده های زندانیان سیاسی و فعالان سیاسی اجتماعی صورت گرفته است.

ناراضیتی و تنفر از حاکمیت زیر پوست شهرها همچنان می جوشد و تردیدی نیست که انقلاب نمرده و دیر نیست روزی که «زنگ خون به صدا» درآید و «توفان شکوفه» دهد. این روز را خمینی به خوبی این چنین توصیف کرده است: «بترسید از آن روزی که مردم بفهمند در باطن ذات شما چیست و یک انفجار حاصل بشود. از آن روز بترسید که ممکن است یکی از «ایام الله» - خدای نخواستہ - باز پیدا بشود. و آن روز دیگر قضیه این نیست که برگردیم به ۲۲ بهمن. قضیه [این] است که فاتحه همه ما را می خوانند!» (صحیفه خمینی، ج ۱۴، ص ۳۸۰)

یکدست سازی فلج شده نظام

ابعاد عظیم جنبش مردمی به اضافه فشار خارجی، تضادهای درون قدرت را آنچنان تشدید کرده است که در سال آخر ریاست حسن روحانی، با دامنه یافتن کشمکش باندهای درونی حکومت، برخی از تحلیلگران و مفسران از برکناری وی حرف می زدند.

در چنین شرایطی که خامنه ای، بهتر از هرکس از عمق بحران با خبر است، «دولت جوان حزب الهی» را راه حل نظام برای غلبه بر بحران اعلام می کند. در بیانیه سال پیش که در روز چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹ منتشر شد، ما اعلام کردیم که: «خروجی این راه حل که می توان آن را مشابه دوران احمدی نژاد ارزیابی کرد، به معنای سلطه پاسداران، امنیتیها، مداحان و لومپنها بر تمامی ارکان حکومت و منقبض شدن بیشتر حاکمیت و سرکوب عریان تر مردم است. اکنون که خامنه ای موفق شده یک دزد سرکوبگر را در راس مجلس جاگذاری کند و یک جلاذ منفور را در راس قوه قضاییه بگمارد، قصد دارد با شعبده بازی، یک پاسدار جنایتکار و یا یک شکنجه گر را از صندوق نمایش انتخابات ریاست جمهوری بیرون آورد.»

شعبده بازی خامنه ای در روز آدینه ۲۸ خرداد با فضاحتی بی سابقه و با تحریم اکثریت قاطع مردم روی صحنه رفت و بر تابلو وزارت کشور نام عامل قتل عام زندانیان سیاسی در سال ۱۳۶۷ به عنوان برنده ثبت شد. آش این نمایش آن چنان شور بود که صدای آشپزان آن هم درآمد. در حالی که رسانه های حکومتی در حوزه های سوت و کور با ریاکاری و به فرموده ولی فقیه از «حماسه» دم می زدند، جامعه شگرف ترین گنش سیاسی خود به نام «تحریم» را به ثبت می رساند و رژیم مجبور شد اعتراف کند که بیش از ۵۰ درصد صاحبان حق رای در این نمایش شرکت نکرده، ۷۰ درصد آنان به فرد منصوب شده از جانب «مقام معظم» نه گفته اند، آرای باطله رتبه دوم را پیدا کرده و از همه چشمگیر تر، بی محلی بیش از ۹۰ درصد به کاندیدای اصلاح طلبان حکومتی بود. باید توجه داشت که ارقام ذکر شده، بر اساس آمار تنظیم شده، جعل شده و چند برابر شده حکومت است و ارقام واقعی بسی بیشتر از آن است.

اکثریت اصلاح طلبان حکومتی و پادوهای آنان در اپوزیسیون و اعضای باند کارگزاران، سوار بر مرکب «کلاب هاوس» به شکل چندی آوری بین «دو حسینیه ارشاد و جماران» سرگردان بودند و نمی دانستند که در اعماق جامعه چه می گذرد. آنان اخبار رسانه های مجازی و موج بی نظیر درخواست تحریم را نادیده می گرفتند و با دروغهای مضمّن کننده اعلام می کردند؛ کسانی در همسویی با «بن سلمان، نتانیاهو و ترامپ» از تحریم دفاع می کنند.

تحریم سراسری انتخابات ترجمان مادی و عملی شعار «اصلاح طلب، اصولگرا - دیگه تمومه ماجرا» است. توده معترض به این وسیله نشان داد که امکان اصلاح یا تغییر شرایط موجود را در چارچوب رژیم ولایت فقیه منتفی می داند و راه خود را فراروی بیراه های حکومتی از هر جنس و با هر رنگ می جوید.

برای نخستین بار در تاریخ رژیم ولایت فقیه، تحریم انتخابات آن به یک جنبش عمومی تبدیل گردید که از دل خیزشهای اعتراضی، اعتصابها و اعتراضهای شهری و روستایی بیرون آمد و بدین سبب مضمون جهتگیری اش سرنگونی طلبی و شکل مبارزه اش رادیکال بود.

اما یکدست سازی حکومت نه آبی برای ولی فقیه گرم کرد و نه نانی به سفره مجاله شده مردم آورد. ولی فقیه که وفادارترین کارگزاران نظام مثل علی لاریجانی را به تیغ جراحی در نظام سپرده بود، خیلی زود دریافت که از جراحی ولایتش و خونی که از پیکر آن ریخته شده، حاکمیتی ضعیف تر، ناکارآمد تر و فرسوده تر از گذشته سر برآورده است. فاکتهای بسیاری وجود دارد که فلج شدن یکدست سازی و ضعیف تر شدن حاکمیت را نشان می دهد. رسانه های حکومتی هر روز ابعاد بحران و ناکارآمدی و ضعف را پوشش می دهند.

ادامه همه گیری فاجعه بار ویروس کرونا

دنیاگیری ویروس کرونا (کوید ۱۹) همچنان ادامه دارد و زندگی دهها میلیون از شهروندان جهان را به مخاطره انداخته است. جای خوشحالی است که با پیشرفتهای علمی و ساخت واکسنهای معتبر و مورد تایید سازمان بهداشت جهانی، این ویروس خطرناک به میزان بسیاری در جهان مهار شده است.

گرچه غلبه بر این فاجعه کلان هنوز به صورت کامل تحقق پیدا نکرده، اما خصلت این دنیاگیری در ایران، اتحاد و پیوند آن با منافع نظام حاکم است. هفته پیش وزیر بهداشت رژیم ورود به موج ششم همه گیری کرونا را اعلام کرد. جمهوری اسلامی از کرونا به مثابه یک فرصت برای جلوگیری از شورش، جنبش، خیزش و قیام استفاده می کند، به

همین دلیل نیز از ابتدا به انکار و دروغ پردازی در باره آن پرداخت و سپس حاضر نشد از داراییهای غارت شده کشور برای پیشگیری از شیوع ویروس و درمان مردم مبتلا هزینه کند. مردم ایران فراموش نمی کنند که خامنه ای روز سه شنبه ۱۳ اسفند ۱۳۹۸، در مورد همه گیری ویروس کرونا گفت: «مسأله یک مسأله گذراست، یک چیز فوق العاده نیست... خیلی هم بزرگش نکنیم.» خامنه ای بود که در همان سخنرانی، کرونا را «یک دستاورد» «نعمت» و «فرصت» توصیف کرد. در فرازی دیگر از فرمانهای ضد انسانی او در روز آدینه ۱۹ دی ۱۳۹۹ اعلام کرد: «ورود واکسن آمریکایی و انگلیسی به کشور ممنوع است.» همو بود که در همین سخنرانی گفت: «واکسنی که برای کرونا آماده شد این مایه افتخار است، این را انکار نکنند، این مایه عزت کشور، مایه افتخار کشور است.»

بر اساس گزارشهای گوناگون تاکنون دستکم نیم میلیون تن در سراسر کشور در پی ابتلا به ویروس کرونا جان باخته اند. با وجود پنهان سازی کشتار کرونا از سوی حاکمیت، مدتهاست که ایران از نظر تعداد مرگ و میر ناشی از کرونا جزو پنج کشور اول در جهان است.

روز شنبه ۶ اردیبهشت ۱۴۰۰، دکتر مسعود یونسیان، عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی تهران، در گفت و گو با روزنامه «ستاره صبح» گفت «آمارها به شکل سیستماتیک بسیار کمتر از واقعیت موجود است... می توان گفت آمار واقعی حدوداً ۲۰ برابر آن چیزی است که گزارش می شود.»

به گزارش روز آدینه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۰، جهان صنعت نیوز، سید حسین سراج زاده، از کارشناسان حکومتی و رئیس انجمن جامعه شناسی، در هشدار به دولت روحانی گفت: «تعداد مبتلایان و فوتیها که وزارت بهداشت رسماً اعلام می کند، صحیح نیست. پنهانکاری دولت در این زمینه یک نقطه ضعف دیگر بر عملکردش محسوب می شود... دولت به خاطر فشارهای اقتصادی قرنطینه را شکست در صورتی که بهتر بود دولت این مسئولیت خطیر را به عهده می گرفت و با منابع مالی مختلفی که در اختیار داشت به یاری تک تک مردم می شتافت... می توان پیش بینی کرد با ترکیب فشارهای اقتصادی و مطالبات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی موج تازه ای از نارضایتیها ایجاد خواهد شد. اگر دولت در سیاستهای بازنگری نکند. مردم همانند آتش فشانی در حال فوران هستند.»

روز دوشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۰ روزنامه های اطلاعات، همشهری، جمهوری اسلامی، دنیای اقتصاد، شرق، اعتماد، سازندگی و هفت صبح با سرمقاله مشترک تحت عنوان «فرصت را از دست ندهید» منتشر شد. در این سرمقاله «مهم ترین و حیاتی ترین موضوع زندگی این روزها»، این گونه بیان شده که «تامین و توزیع واکسن باید اولین مأموریت همه دستگاههای حاکمیتی باشد.» در سرمقاله ۸ روزنامه وابسته به اصلاح طلبان حکومتی دروغی که بارها بی پایه بودن آن برملا شده را تکرار کرده اند که گویا «تحریمها» بر «میزان کارکرد نهادهای متولی سلامت جامعه» تاثیر داشته است. آنها در باره حکم ظالمانه و ضد انسانی خامنه ای مبنی بر ممنوع بودن خرید واکسن آمریکایی و انگلیسی کلامی ننوشته اند. اما تحت فشار واقعیتها مجبور شده اند اعتراف کنند که «بخش خصوصی نیز عدم توفیق خود را در حوزه واردات نه به دلایل خارجی بلکه به موانع داخلی نسبت می دهد.»

بخشی از چگونگی مدیریت تبهکارانه کرونا در اعترافهای علیرضا زالی، سرکرده ستاد مدیریت کرونا در تهران، که در روز چهارشنبه ۲۰ مرداد رسانه ای شد، بازتاب یافته. وی گفت: «هزینه داروهای کرونا چند برابر واردات واکسن شده است، اما اجازه خرید واکسن ندادند چون فکر می کردند گران است... کمکهای جهانی و پزشکان بدون مرز از فرودگاه برگردانده شد، در حالی که اطلاعات چندانی درباره ویروس نداشتیم و از مشاوره های بین المللی استفاده نکردیم... وقتی کارشناسان سازمان جهانی بهداشت به ایران آمدند، ما به جای مشورت با آنها مدام از آنها می

خواستیم در رسانه‌ها از نظام سلامت ایران تعریف کنند. ما آمارهای مرگ و میر را از سازمان جهانی بهداشت پنهان کردیم.» (کانال تلگرام تجارت نیوز)

به دنبال گسترش انزجار و تنفر از حکم ضد انسانی خامنه‌ای و پس از بی نتیجه بودن واکسن داخلی و در شرایطی که خواست خرید فوری واکسن کرونا به یک مطالبه عمومی تبدیل شده بود، حاکمیت به دنبال یکدست شدن مجبور به وارد کردن مقداری واکسن معتبر شد. با این وجود هنوز تعدادی کمی از ایرانیان، کمتر از ۲۰ درصد، به طور کامل (سه دوز) واکسینه شده‌اند.

مسیح مهاجری مدیر مسئول روزنامه «جمهوری اسلامی»، روز یکشنبه ۲۴ فروردین ۱۳۹۹، در این روزنامه نوشت: «برای حل قطعی مشکلات باید قدرتهای مالی بزرگی به صحنه بیایند که از تمکن بسیار بالائی برخوردارند و اموال آنها متعلق به مردم است. این قدرتها عبارتند از ستاد اجرائی فرمان امام، بنیاد مستضعفان و آستان قدس رضوی. امکانات و منابع مالی گسترده‌ای که در اختیار این مراکز وجود دارند اگر به عرصه کمک به اقشار آسیب دیده از کرونا آورده شوند، مشکلات این اقشار در کوتاه‌ترین زمان و به صورت کامل برطرف خواهد شد. آنها اگر پولهای را که در اختیار دارند برای نجات مردم مستضعف خرج نکنند، فلسفه وجودی شان را چگونه می‌خواهند توجیه کنند؟»

این حرف که منابع مالی نهادهای تحت کنترل خامنه‌ای قادرند «در کوتاه‌ترین زمان و به صورت کامل» مشکلات اقشار آسیب پذیر را حل کنند از قلم کسی جاری می‌شود که طی چهار و یک سال گذشته از کارگزاران مورد اعتماد نظام بوده است. این همان واقعیتی است که ما بر آن تاکید می‌کنیم و بارها گفته و می‌گوییم که رژیم منابع مالی برای غلبه بر این ویروس و بسیاری بحرانهای دیگر در اختیار دارد و نباید پول نقد در اختیار آن گذاشته شود، چرا که پول نقدی که رژیم از فروش نفت به دست می‌آورد، صرف اموری می‌شود که به زندگی، سلامت و معیشت اکثریت قاطع مردم ربطی ندارد.

چشم انداز تحول، وظایف اساسی، تکالیف عمده

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به عنوان یک سازمان کمونیستی، همچنان به مبارزه تا رسیدن به آزادی و سوسیالیسم ادامه می‌دهد.

ما در ارزیابیها و تحلیلهای درونی و بیرونی خود و بر اساس شرایط مادی که بر بستر آن خیزش بی چیزان، تهیدستان و تحقیر شدگان عمق و وسعت گرفت، شرایط کنونی را «بحران غیرقانونی» و یا «بحران انقلابی» ارزیابی کرده و تمام فعالیت تبلیغی و ترویجی ما پیرامون همین مساله متمرکز است. درستی این ارزیابی با برافراشته شدن پرچم قیامها، خیزشها و جنبشها طی یک دهه اخیر اثبات گردیده است. بدون شک برای همه آزادیخواهان رشد کم نظیر آگاهی و مبارزه محرومان و فرودستان، موجب خرسندی و امید شده است.

*ما در شهریور ماه سال ۱۳۸۲، همزمان با تشدید بحران خارجی رژیم تاکید کردیم: «با هرگونه دخالت نظامی خارجی و هرگونه جانشین سازی که اراده آزاد مردم ایران برای تحقق حاکمیت ملی را نفی کند، مخالفیم.» (گزارش سیاسی، مصوب شورای عالی سازمان، ۲۸ شهریور ۱۳۸۲) در همین سند وظایف ما در عرصه جهانی چنین اعلام شده است: «فعالیت گسترده در خارج از ایران و استفاده از همه ی امکانات جهانی (مراجع بین المللی - دولتها - سازمانهای اجتماعی - نهادهای مدافع حقوق بشر - و...) بر اساس حفظ استقلال و رعایت موازین و اسلوبهای شناخته

شده بین المللی در جهت هرچه منفرد کردن استبداد مذهبی حاکم بر ایران و گسترش مبارزه مردم برای سرنگونی رژیم.»

«ما از مبارزه به حق کارگران، معلمان، پرستاران، کشاورزان، بازنشستگان، دانشجویان، غارت شدگان و همه مزدبگیران علیه نظام حاکم و سرمایه داری لگام گسیخته که تعرض آن به سطح زندگی و معیشت مردم دامنه بی سابقه ای یافته، حمایت می کنیم. مزد عادلانه و زندگی شایسته، حق اعتصاب، ایجاد تشکلهای مستقل و نظارت سازمان بین المللی کار بر تامین حقوق مزدبگیران، حق مسلم نیروهای کار ایران است و ما به طور پیگیر از آن پشتیبانی می کنیم.»

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران خود را همبسته با مبارزه مردم عراق و لبنان برای دموکراسی، عدالت و قطع مداخله گری رژیم جمهوری اسلامی می داند و این مبارزات را بخشی از جنبشهای همگانی در سطح منطقه خاورمیانه علیه بنیادگرایی اسلامی، تجاوزگری و مداخله جویی خارجی می انگارد.»

«ما از جامعه جهانی، نهادهای مدافع حقوق بشر، سندیکاها و اتحادیه های نیروهای کار و از همه کشورهای جهان می خواهیم که: کلیه مناسبات اقتصادی خود با رژیم ایران را مشروط به قطع شکنجه و اعدام و رعایت حقوق بشر در مورد شهروندان ایران کنند و حق مردم ایران را برای تغییر رژیم حاکم به دست خودشان به رسمیت شناسند.»

«مذاکرات جاری در وین هر سمت و سویی پیدا کند، در این حقیقت هیچ تغییری نمی دهد که پروژه هسته ای جمهوری اسلامی علیه منافع عالی مردم و کشور ایران است. از این رو «ما خواستار توقف کامل تمامی عملیات و اقدامات اتمی رژیم ایران می باشیم. گرچه سازمان ما بنا به دلایل گوناگون اقتصادی و زیست محیطی مخالف استفاده از انرژی اتمی است، اما معتقدیم که مردم ایران در یک شرایط دموکراتیک و با توجه به طرح آزادانه نظرات کارشناسانه در این زمینه، باید در مورد استفاده و یا عدم استفاده از انرژی اتمی تصمیم گیری کنند.» (پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت پنجاهمین سالگرد حماسه و رستاخیز سیاهکل، چهارشنبه ۱۵ بهمن ۱۳۹۹)

«خواست اولیه و مقدم مردم ایران که همه ی شیفتگان آزادی در راه آن پیکار می کنند، سرنگونی رژیم حاکم با همه دسته بندیها و باندهای درونی آن و به سرانجام رساندن انقلاب دموکراتیک و استقرار یک نظام دموکراتیک و عرفی در ایران است. برای تحقق این خواست تاریخی مردم ایران است که ما از آلترناتیو شورای ملی مقاومت پشتیبانی کرده و به سهم خود در این ائتلاف دموکراتیک مداخله می کنیم. تلاشهای مذبحخانه برای درهم شکستن اتحاد ما در این شورا چه آگاهانه و از جانب نهادهای امنیتی جمهوری اسلامی و چه ناآگاهانه و غرض ورزانه، نمی تواند خللی در عزم ما برای ادامه راهی که بدون تزلزل و فرصت طلبی انتخاب کرده ایم، ایجاد کند.»

«ما «قیام همگانی و استفاده از تمامی اشکال مبارزه را حق مسلم مردم ایران می شماریم. سازمان ما ایجاد هسته های مخفی مقاومت، تشکیل هسته های کوچک رسانه ای و خبر رسانی، ایجاد کمیته های مخفی عمل و شوراها هماهنگی، سازمانیابی برای نافرمانی مدنی و... را راهکارهای ایجاد بی شمار کانونهای شورشی می داند. این راهکارها اشکال مناسب و عملی برای هماهنگی مبارزه کارگران، معلمان، کارمندان، مزدبگیران، پرستاران، دانش آموزان، دانشجویان و جوانان، زنان، روشنفکران، فرهنگیان و هنرمندان است و ما به سهم و توانایی خود در این مسیر تلاش می کنیم.» (گزارش سیاسی، مصوب نهمین شورای عالی سازمان، سه شنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۵ / ۷ فوریه ۲۰۱۷)

«سازمان چریکهای فدایی خلق ایران همه ایرانیان آزادیخواه را به اتحاد و مبارزه برای ایجاد جبهه همبستگی به منظور سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه و ایجاد یک جمهوری سکولار، دموکراتیک و مستقل فرا می خواند.

«ما بی شمارانیم و برای سرنگونی رژیم استبدادی مذهبی ولایت فقیه متحد و متشکل می شویم»

«مرگ بر دیکتاتوری، مرگ بر خامنه ای، زنده باد آزادی»

نابود باد امپریالیسم و ارتجاع جهانی – زنده باد استقلال، دموکراسی، صلح و سوسیالیسم

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
یکشنبه ۱۷ بهمن ۱۴۰۰ / ۶ فوریه ۲۰۲۲